

# ظهور اولیه چاپ در عصر صفوی

نگاهی نو به نخستین چاپخانه ارمنیان در جلفای نو

نویسنده

صبح دیوید اصلانیان

مترجم

مصطفی لعل شاطری



انتشارات وراقان

ظهور اولیه چاپ در عصر صفوی  
(نگاهی نو به نخستین چاپخانه ارمنیان در جلفای نو)

(The early arrival of print in safavid iran)

نویسنده: صبح دیوید اصلانیان (Sebouh Aslanian) / مترجم:

مصطفی لعل شاطری

ویراستار: افسون غلامی / صفحه آرایی: مهین حسن زاده / طراحی

جلد: صدرا غلامی جلیسه / ناظر چاپ: مهدی سروی / قم: انتشارات

وراقان / تیراژ: ۱۰۰ نسخه / قطع: رقعی / چاپ اول: ۱۳۹۹ / قیمت:

۳۰۰۰ تومان / شابک: 978-600-99928-2-9 / [www.vpub.ir](http://www.vpub.ir)

[info@vpub.ir](mailto:info@vpub.ir)



انتشارات ووراقان

اصلانیان، صبح دیوید  
ASLANIAN, SEBOUH DAVID  
ظهور اولیه چاپ در عصر صفوی: نگاهی به نخستین چاپخانه ارمنیان در جلفای نو / نویسنده: صبح دیوید  
اصلانیان؛ مترجم: مصطفی لعل شاطری - تهران: ووراقان، ۱۳۹۹.  
۱۵۵ ص  
شابک: 978-600-999282-9  
عنوان اصلی: THE EARLY ARRIVAL OF PRINT IN SAFEVID IRAN  
کتابنامه: ص ۱۰۷  
عنوان دیگر: نگاهی به نخستین چاپخانه ارمنیان در جلفای نو  
موضوع: چاپخانه‌ها - ایران - اصفهان - تاریخ  
موضوع: PRINTING PLANTS - IRAN - ESFAHAN - HISTORY  
شناسه افزوده: لعل شاطری، مصطفی، ۱۳۶۸، مترجم  
رده‌بندی کنگره: Z۱۸۶ رده‌بندی دیویی: ۰۷۰/۵۰۹۵۵ شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۳۸۹۵۷

هرگونه استفاده از مطالب و تصاویر کتاب تنها با اجازه کتبی از ناشر مجاز است.



## فهرست

|          |                                                                   |
|----------|-------------------------------------------------------------------|
| ۷.....   | یادداشت ناشر.....                                                 |
| ۹.....   | یادداشت مترجم.....                                                |
| ۱۳.....  | یادداشت نویسنده (سپاسگزاری).....                                  |
| ۱۵.....  | مقدمه.....                                                        |
| ۲۱.....  | جدایی اولیهٔ سنت‌های چاپ ارمنی و اسلامی و اهمیت شهرهای بندری..... |
| ۳۱.....  | خاچاتور کساراتسی و چاپ فشاری (۱۰۴۵ق / ۱۶۳۶م).....                 |
| ۴۱.....  | اقامت موقت هووانس جوغایتسی در شهرهای بندری ایتالیا.....           |
| ۴۹.....  | استپانوس واردایت و دستگاه چاپ (۱۰۹۷ق / ۱۶۸۶م).....                |
| ۶۵.....  | نتیجه‌گیری.....                                                   |
| ۶۹.....  | ضمائم.....                                                        |
| ۸۵.....  | پی‌نوشت‌ها.....                                                   |
| ۹۹.....  | فهرست منابع.....                                                  |
| ۱۰۷..... | درباره مؤلف کتاب.....                                             |
| ۱۰۹..... | نمایه.....                                                        |

## یادداشت ناشر

هرچند در دوره صفویه، تلاش‌های شاردن و برخی مبلغان مسیحی جهت اغنای دربار صفویه برای خرید دستگاه چاپ و ورود آن به ایران به نتیجه‌ای نمی‌رسد، ولی درست در همان زمان است که برخی از مبلغان مسیحی و ارمنی در جلفای اصفهان چاپخانه‌ای برپا نموده و فعالیت خود را آغاز می‌کنند.

خاچاطور کساراتسی را می‌توان پدر چاپ کتاب در ایران نامید؛ چرا که او با زحمات فراوان و بدون داشتن استاد یا راهنمایی، تمامی وسایل چاپ از کاغذ و مرکب گرفته تا ماشین و حروف را می‌سازد و بعد از گذشت یک سال و پنج ماه اولین کتاب چاپی ایران با نام «ساغموس» یا زبور داود را چاپ و منتشر می‌نماید.

در آن دوران، چاپ در میان ارامنه اقبالی نمی‌یابد و ایرانیان نیز نسبت به آن بی‌توجه بوده، در نتیجه در مدت زمان کوتاهی به وادی فراموشی سپرده می‌شود؛ اما به هر روی، این سرآغازی هرچند نافرجام برای انتشار کتاب در ایران است. برای اولین بار در ایران، پژوهشگر پرکار، مرحوم «لئون میناسیان» (۱۲۹۹ - ۱۲۹۱ ش) در کتابی مبسوط با نام «تاریخچه چاپخانه کلیسای وانک و فهرست کتاب‌های چاپ شده» - که در سال ۱۹۷۲ میلادی به زبان ارمنی منتشر نمود -

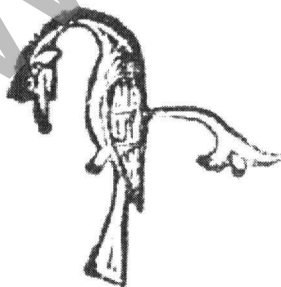
تاریخچه‌ای مفصل و فهرستی دقیق از کتاب‌های این چاپخانه از سال ۱۶۳۶ تا ۱۹۷۲ م ارائه می‌کند.

طی این سال‌ها مقالات و کتاب‌های متعددی درباره چاپ به زبان ارمنی در جهان و ایران انتشار یافته است؛ اما یکی از آخرین و بهترین پژوهش‌ها، کتاب حاضر است. نویسنده این پژوهش، پرفسور «صبح اصلانیان» استاد دانشگاه و رئیس کرسی تاریخ مدرن ارمنی در دانشکده تاریخ دانشگاه یوسی ال ای آمریکا است و طی این پژوهش نگاهی جامع، مستند و تاریخی در خصوص تلاش‌های اولیه ارامنه برای چاپ کتاب در ایران ارائه می‌دهد.

از پرفسور اصلانیان که بارویی گشاده‌رضایت خود را جهت ترجمه این پژوهش به زبان فارسی اعلام نمودند و همچنین از پژوهشگر جوان و علاقه‌مند جناب آقای لعل شاطری که ترجمه خوبی از این کتاب ارائه داده‌اند، کمال تشکر و امتنان را دارم.

مجید جلیسه

تابستان ۱۳۹۹



## یادداشت مترجم

بررسی علمی- پژوهشی تاریخ چاپ در ایران جزء موضوعاتی محسوب می‌گردد که با توجه به اهمیت آن، به طور جدی مورد توجه پژوهشگران ایرانی قرار نگرفته است. هرچند در اکثر آثار پژوهشی، تاریخ آغاز چاپ در ایران را مرتبط و محدود با مواردی همانند کوشش‌های عباس میرزا قاجار (نایب السلطنه)، ورود نخستین دستگاه چاپ سربی، انتشار کتاب رساله جهادیه در ۱۲۳۳ق و پس از آن ورود دستگاه چاپ سنگی و انتشار قرآن در ۱۲۴۹ق بیان داشته‌اند؛ اما می‌توان غفلت از دوران فعالیت ارمنی‌های ساکن در جلفای نو که مقارن با دوره صفویه می‌باشد را نقطه ضعفی محسوس در آثار پژوهشگران ایرانی دانست. بر این اساس، تاکنون اثری تفصیلی در این زمینه با زبان فارسی به نگارش درنیامده است و صرفاً از معدود پژوهشگرانی که به این حوزه توجه داشته‌اند می‌توان به مجید غلامی جلیسه در تاریخ چاپ سنگی اصفهان اشاره داشت. در نقطه مقابل، یکی از موضوعات حائز اهمیت برای پژوهشگران غیرفارسی‌زبان و فعال در حوزه تاریخ چاپ، توجه به فعالیت‌ها و تولیدات فرهنگی- هنری ارامنه ساکن در جلفای نو می‌باشد؛ از جمله این پژوهشگران دکتر صوبح دیوید اصلانی می‌باشد. این پژوهشگر با توجه به حوزه مطالعاتی

خود (بررسی تاریخیچه فعالیت‌های فرهنگی ارامنه) اثر پیش‌رو را در سال ۲۰۱۴م منتشر و به‌واسطه جایگاه ممتاز آن، تاکنون به‌عنوان پژوهشی کلیدی مورد توجه سایر پژوهشگران قرار دارد.

اصلانی در این پژوهش با گذر از لایه‌های اولیه و فارغ از تأکید صرف بر خط تاریخی وقایع و همچنین با نگاهی تحلیلی به موضوعات تأثیرگذار، بر نگرش افراد فعال به‌ویژه متصدیان چاپخانه جلفای نو می‌پردازد. او پس از اشاره به چگونگی رشد و پیشرفت چاپخانه‌های ارمنی در سرتاسر جهان اسلام، نخست به مطالعه نقش خاچاطور کساراتسی و مروری اجمالی بر تأسیس اولیه چاپ فشاری در جلفای نو مبنی بر دانش بومی می‌پردازد. سپس به تلاش‌های هوانس جوغایتسی در راستای فراگیری و ورود دانش از غرب به این چاپخانه و در نهایت به سیاست‌های استپانوس واردایت مبنی بر اخذ مستقیم ملزومات چاپ از غرب به‌واسطه بازرگانان ارمنی اشاره دارد. در مورد هر یک از افراد مذکور، همواره تکیه پژوهشگر به بررسی رابطه آنان با شهرهای بندری، ارمنی‌های ساکن بندر و چاپگرهای فعال در این شهرها معطوف می‌باشد و در هر دوره برای آنان، ضریب‌های تأثیر گوناگونی را در راستای رشد و افول این چاپخانه مطرح می‌نماید. علاوه بر این، اصلانی برای اولین بار بر مبنای اسناد و همچنین با نگاهی نو، به شرایط مذهبی و جغرافیایی به‌عنوان عواملی تأثیرگذار بر فعالیت این چاپخانه و متصدیان آن اشاره دارد و در انتها به تحلیل درباره اثرگذاری مجموعه این عوامل بر فرهنگ چاپ ارمنی در جلفای نو پرداخته است.

در مجموع با وجود اختصار و حجم اندک، این پژوهش از نقاط قوت چندگانه‌ای برخوردار است که به پیشنهاد مدیریت محترم انتشارات و رقان، ترجمه آن صورت پذیرفت. در ابتدا، پژوهش حاضر را می‌توان ارائه اطلاعاتی نوین به‌صورت منسجم، فارغ از زیاده‌گویی، عدم تکرار یافته‌های پیشین و مبنی بر نگرشی بینارشته‌ای و براساس رویکردی تحلیلی دانست. دومین نکته حائز اهمیت، تسلط محسوس پژوهشگر به زبان ارمنی و متعاقباً خوانش و بهره‌گیری از منابع و پژوهش‌های مرتبط

است. سوم، دسترسی انحصاری پژوهشگر به کتاب‌های محدود چاپ‌شده در چاپخانه جلفای نو و استفاده از اطلاعات موجود، به‌ویژه در انجامه‌های این آثار می‌باشد. چهارم، بهره‌گیری از اسناد و نامه‌های منتشرنشده آرشیو ایالتی فلورانس برای نخستین بار می‌باشد که بی‌شک این موضوع، موجب افزایش ضریب اهمیت این پژوهش گردیده است.

مصطفی لعل شاطری

مشهد / ۱۳۹۹



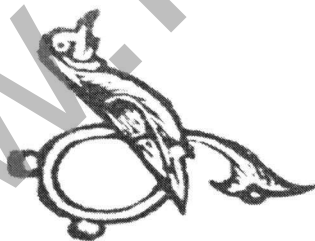


### یادداشت نویسنده (سپاسگزاری)

برای انجام این پژوهش، افراد فراوانی به صورت‌های گوناگون مرا یاری داده‌اند. از نیل گرین جهت ارائه اطلاعات علمی در مورد تاریخ چاپ و خصوصاً ترغیب من به تفکر درباره دلایل اصلی انشعاب مسیر چاپ ارمنی و فارسی-عربی و بررسی آن به لحاظ تاریخی، تشکر می‌کنم. افشین متین اصغری، رحیم شاهگان و جیمز راسل صبورانه به سؤال‌های واژگانی من پاسخ دادند و در زمینه واژه‌های فنی فارسی و ترکی مرتبط با چاپ فشاری من را راهنمایی کردند. همچنین قدر دانِ مِلینه پهلوانیان به دلیل در اختیار گذاشتن مقاله منتشر نشده‌اش در رابطه با چاپ جلفا، می‌باشم. برای نخستین بار مروجان کاراپتیان توجه من را به صحبت‌های استپانوس واردپت جلب نمود که در این پژوهش در موردش به تفصیل بحث گردیده و گفته‌هایش در بخش آخر این مقاله ترجمه شده است. با اینکه مدت‌ها با مجموعه مقالات آرشیو ایالتی فلورانس<sup>۱</sup> که این صحبت‌ها در آن نقل شده، آشنا بودم؛ اما به لطف دکتر کاراپتیان در مورد محتوای مرتبط با چاپ این اسناد اطلاعاتی یافتم و علاوه بر آن، او پیشنهادهای مفیدی در مورد این مقاله ارائه داد که به همین دلیل بسیار از او متشکرم. من از ادموند هرزیش، ویلم فلور، دیگران کویمچیان و مارک مامیگونیان برای خوانش پیش‌نویس پژوهش حاضر و ارائه نظرات سازنده، از تیری اوهارا

به دلیل بررسی صحت ترجمه‌های انجام‌شده‌ام از زبان فرانسوی (مربوط به قرن هفده میلادی) و از آلبرت اِس. کوچافام در جهت ترسیم نقشه سپاسگزارم. طبق معمول، من بیشتر از همه به دکتر حوری بربریان مدیونم که در مورد پیش‌نویس آغازین، نظرات مفیدی را بیان داشت و در بررسی ایده‌های اولیه‌ام و روال منطقی آن‌ها به من کمک کرد. با این حال، تمام کمبودها و نواقص موجود در این پژوهش، برعهده من می‌باشد.

صبح دیوید اصلانی



## مقدمه

در تابستان ۱۰۳۸ ق / ۱۶۲۸ م کاروانی از مبلغان مذهبی کارملیت<sup>۲</sup> و پدرهای دومینیک به آرامی از صحرایی خطرناک و طولانی که از آلیو<sup>۳</sup> تا بغداد امتداد داشت، عبور کردند و سرانجام به اصفهان، پایتخت صفویه رسیدند.<sup>۴</sup> در میان زائران، مبلغان مذهبی، بازرگانان و کالاهای مختلفی که بار شترها بود، شیء عجیب دیگری نیز وجود داشت: یک دستگاه چاپ فشاری چوبی با «۳۴۹ حرف چاپی عربی به همراه دو ابزار دیگر برای حروفچینی» (Bloom, 2001: 221). پدر دومینیک در نامه‌ای از بغداد<sup>۵</sup> خاطرنشان کرد که حمل این دستگاه آنقدر طاقت‌فرسا و سنگین بود که «یک شتر به زحمت آن را جابه‌جا می‌کرده است».<sup>۶</sup> (Chick, 1939: 305) با رسیدن این دستگاه به اصفهان در ربیع‌الثانی ۱۰۳۸ / دسامبر ۱۶۲۸ یا جمادی‌الاول ۱۳۰۸ / ژانویه ۱۶۲۹، اولین حضور فناوری چاپ بنیادین گوتنبرگ در ایران رقم خورد.

سرنوشت این دستگاه که اولین دستگاه چاپ با حروف عربی بود، هنوز مشخص نیست. هیچ کتابی با آن چاپ نگردید یا اگر هم چاپ شد، نمونه‌ای از آن باقی نمانده است؛ چرا که در هیچ مجموعه‌ای نسخه‌ای وجود ندارد یا اینکه حتی به معرفی آن نپرداخته‌اند. همان‌طور که نیل گرین اشاره کرده است، به نظر می‌آید چاپ خط

عربی در ایران، در دورهٔ پساگوتبرگی و عصر صنعتی اوایل قرن نوزدهم میلادی، یا به عبارت دقیق‌تر سال ۱۲۳۳ق / ۱۸۱۸م، با اختراع دستگاه‌های چاپ سبک‌تر و قابل حمل‌تر استانبوپ<sup>۶</sup> به وجود آمد و مدت کوتاهی بعد از آن، به کشورهای اسلامی دیگر نیز رسید. با توجه به پیدایش فرهنگ چاپ فارسی - عربی در اواخر قرن نوزدهم میلادی در ایران، وقایع اولیه پیرامون دستگاه چاپ فشاری کارملیت‌ها توجه چند تن از محققان را جلب نموده است. طبق گفتهٔ یکی از پژوهشگران که برای نخستین بار اطلاعاتی از چاپ فشاری سال ۱۰۳۸ق / ۱۶۲۹م بیان داشت، حقیقت این است که کارملیت‌ها اولین کسانی بودند که چاپ متون شرقی - یا هر نوع متن دیگری - را به ایران وارد کردند. (Chick, 1939: 306)

این مقاله به بررسی تاریخی کمتر شناخته شده نوع دیگری از چاپ فشاری در دوره صفویه می‌پردازد که برخلاف چاپ کارملیت‌ها، حداقل هشت عنوان کتاب جداگانه در بازه‌های مختلف قرن هفدهم میلادی توسط آن به چاپ رسیده است که به وسیله نوعی دستگاه چاپ فشاری دستی و چوبی مربوط به دوره گوتبرگ بود که برای چاپ کتاب‌هایی با حروف ارمنی استفاده می‌شد. این دستگاه در ۱۰۴۵ق / ۱۶۳۶م، در شهرک بازرگانان ارمنی واقع در حومه اصفهان که با عنوان جلفای نو (نوجلفا) شناخته می‌شود، ساخته شد. برای کسانی که با تاریخیه ممتاز بازرگانی این منطقه آشنایی دارند، جای شگفتی نمی‌گذارد که در محلی که از سوی بازرگانان ابریشم احداث و کانون اصلی شبکه‌ای جهانی از پایگاه‌های تجاری ارمنی بود، دستگاه چاپ ساخته شده باشد.

مدت کوتاهی بعد از تأسیس این محله در ۱۰۱۳ق / ۱۶۰۵م که به دنبال آوارگی خصومت آمیز و کوچ ساکنان آن اتفاق افتاده بود، بازرگانان سایر مناطق نسبتاً دور، شبکهٔ سرزنده‌ای از جوامع بازرگانی ایجاد نمودند که بسیاری از شهرهای بندری مهم دنیا از لندن، آمستردام و کادیس در کرانه دریای اطلس گرفته تا ونیز، لیورنو، مارسه و جنوآ در دریای مدیترانه و نیز سورات، مادراس، کلکته، کانتون و مانیل در اقیانوس هند و اقیانوس اطلس را دربر می‌گرفت. همان‌طور که در ادامه اشاره خواهد

شد، این «ارمنی‌های بندری» یکی از متصدیان اصلی شکل‌گیری اولیه چاپ در دوران مدرن نخستین (پیش از انقلاب استانبول در قرن نوزدهم میلادی) بودند، چنان‌که چاپ متون عربی برای اولین بار در این زمان آغاز و تا حدودی رشد یافت. (Aslanian, 2012؛ Aslanian, 2013؛ Aslanian, 2014)

آنان به دلایل متعدد و از طریق روش‌های مختلف که خلاصه آن در ادامه ذکر می‌شود، از چاپگرهای ارمنی که بیشترشان از ادیبان رده‌بالای کلیسای ارمنستان بودند، حمایت کردند. رابطه مستحکم شهرهای بندری، ارمنی‌های بندری و چاپگرها که در پژوهش دیگر آن را به اختصار متأثر از حروف اولیه این سه جریان، Port cities, Port Armenians, Printers (PPP) نامیده‌ام، نقشی محوری در عملکرد و حتی وجود فرهنگ چاپ ارمنی در دوران مدرن نخستین داشت. با توجه به اینکه جلفای نو در دوره صفویه در قلمرو ایران و از شهرهای بندری مدیترانه‌ای فاصله داشت - که حکم زادگاه اولیه فناوری چاپ را داشتند - این پرسش پیش می‌آید که آیا الگوی بزرگ‌تر PPP (شهرهای بندری، ارمنی‌های بندری، چاپگرها) که تقریباً در هر نمونه دیگری از تشکیلات چاپ ارمنی دوران مدرن نخستین صدق می‌کند، در مورد چاپ ارمنی در کانون اصلی شبکه جلفای نو نیز وجود داشت؟

این مقاله با بررسی محل مشارکت بازرگانان و نقش محوری ارتباط شهرهای بندری و جوامع بازرگانی ارمنی در شکل‌گیری چاپ فشاری در جلفای طی قرن هفدهم میلادی، به سؤال دوم پاسخ می‌دهد. به استثنای تأسیس اولیه چاپ فشاری در این محله که توسط خاچاتور کِساراتسی<sup>۸</sup> در ۱۰۴۵ ق/ ۱۶۳۶ ق انجام شد و ماهیت آن هنوز مشخص نیست، فکر می‌کنم دو دستگاه چاپ دیگر که بعد از مرگ کِساراتسی در این محله برپا شد تا حد زیادی به مساعدت ارمنی‌های بندری ساکن در شهرهای بندری بستگی داشت. این مقاله بعد از ارائه مرور اجمالی مهمی بر تأسیس اولیه چاپ فشاری توسط کِساراتسی و به دنبال آن توسط شاگردش هوانس جوغایتسی (کترشنتس)<sup>۹</sup> در ۱۰۵۵ ق/ ۱۶۴۶ م، به

بازگشایی چاپ فشاری در جلفا تحت سرپرستی استپانوس جوغایتسی<sup>۱۰</sup> در ۱۰۹۷ق/ ۱۶۸۶م می‌پردازد.

در همین رابطه، بعد از بحث مهمی در مورد چاپ فشاری در سال ۱۰۹۷ق / ۱۶۸۶م و تعطیلی آن در ۱۱۰۴ق/ ۱۶۹۳م، به معرفی و تحلیل چند نامه‌نگاری منتشر نشده و عمدتاً ناشناخته از مجموعه ویژه‌ای از اسناد بازرگانی ارمنی و عمدتاً جلفایی پرداخته شده است که در آرشیو ایالتی فلورانس نگهداری می‌شود. این «نامه‌های موهبتی»<sup>۱۱</sup> از تاریخ ۱۰۹۰ق/ ۱۶۸۰م به بعد، به قلم اسقف اعظم، استپانوس واردپت<sup>۱۲</sup>، خطاب به بازرگانان جلفایی ثروتمند (ارمنی‌های بندری) که در ونیز، لیورنو و جنوا اقامت داشتند، نوشته شده است. او در این نامه‌ها ابتدا از آن‌ها درخواست کرد و سپس دستور داد که تجهیزات فنی، حروف متنوع جدید و کاغذ خریداری و به جلفای نو ارسال کنند تا بتواند دستگاه چاپ فشاری قدیمی را که در ۱۰۹۷ق/ ۱۶۸۶م مجدداً راه‌اندازی کرده بود، ارتقا دهد و آثاری را منتشر نماید.

ادعای من این است که با تحلیل مناسب این اسناد، شواهدی کافی به دست می‌آید تا ارتباط PPP برای چاپ در کانون اصلی شبکه، یعنی جلفای نو، تأیید شود. با این حال، مبنی بر دلایلی که همچنان نامشخص است، بازرگانان در راستای درخواست اسقف اعظم اقدامی نکردند و چاپ فشاری در ۱۱۰۴ق/ ۱۶۹۳م تعطیل شد؛ اما در ۱۲۷۹ق/ ۱۸۶۳م، زمانی که یک بازرگان جلفایی از جاکارتا واقع در هند شرقی هلند<sup>۱۳</sup>، یک دستگاه چاپ فشاری مدرن به کلیسای این شهر اهدا کرد، مجدداً چاپخانه بازگشایی شد. این موضوع کاملاً نشانگر نقش اساسی ارمنی‌های ساکن بندر و شهرهای بندری است؛ چنان‌که اگر کمک‌های آنان ادامه پیدا می‌کرد، چاپ در قرن هفدهم میلادی بی‌شک متوقف نمی‌شد.

قبل از شروع بحث در مورد فرهنگ چاپ جلفای نو در دوره صفوی، در گام اول بهتر است جدا شدن اولیه مسیر چاپ ارمنی و اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. ابتدا در این راستا باید اشاره‌ای مختصر به تاریخچه شکل‌گیری فرهنگ چاپ ارمنی

در دوران مدرن داشت و این موضوع را مورد واکاوی قرار داد که چگونه این پدیده عمدتاً تحت تأثیر راه‌های دریایی و شهرهای بندری شکل گرفته است. بررسی هرچند مختصر تاریخچه جدا شدن مسیر چاپ ارمنی و عربی کمک می‌کند تا توسعه زود هنگام چاپ ارمنی در مقایسه با چاپ خط عربی (خط غالب جهان اسلام)، با توجه به جمعیت بسیار کمتر و قدرت سیاسی ضعیف‌تر ارمنی‌ها، بهتر درک شود.

